

سرمقاله : شماره 2 به وضعیت گفتگوهای ایران و امپریالیست ها اختصاص دارد. در واقع مقاله اخیر نوشته دکتر پل کرگ رابرتز زیر عنوان «توافق هسته ای با ایران» 9 ژوئیه 2015 در مرکز مطالعات جهانی سازی، موجب شد که این شماره راه اندازی شود. البته در مقاله اخیر پل کرگ رابرتز مطلب تازه ای دیده نمی شود ولی تازگی آن در تطبیق با تحلیل های گذشته و در رابطه با روند واقعیات امروز می باشد. علاوه بر این اهمیت تحلیل پل کرگ رابرتز برای من، شخصاً، که پس از خواندن مقاله اش فوراً به ترجمه آن اقدام کردم، تأیید نظریاتی بود که پیش از این در رابطه با موضوع هسته ای ایران مطرح کرده بودم و البته نوشته های من در مورد این موضوع خاص بیشتر واکنش به تحلیل هایی بود که اپوزیسیون های پنتاگونی در سر تا سر رسانه هایشان دائماً منتشر می کردند و همچنان به این حرفه شریف خیانت و حماقت ادامه می دهند. در اینجا من تنها آخرین مقاله ام را که 3 آوریل 2015 نوشته بودم منتشر خواهم کرد. به علاوه آخرین هفته نامه تی پری میسان «روسیه از آب گل آلود ماهی گرفت» که در 13 ژوئیه 2015 در شبکه ولتر نیز منتشر خواهد شد. در پایان یادآوری می کنم که دوستانی که هنوز کتاب «ایران، تخریب ضروری» نوشته ژان میشل ورنوشه را نخوانده اند، بد نیست نگاهی به آن بیاندازند. این کتاب را از اینجا می توانید به رایگان دانلود کنید:

http://persianbooks2.blogspot.fr/2013/10/blog-post_13.html

فهرست :

(1) توافق هسته ای با ایران. نوشته دکتر پل کرگ رابرتز

(2) درباره مذاکرات هسته ای ایران و احتمال خطر ترور متخصصان هسته ای ایران. نوشته حمید محوی

(3) روسیه از آب گل آلود ماهی گرفت

توافق هسته ای با ایران

نوشته دکتر پل کرگ رابرتز

Par [Dr. Paul Craig Roberts](#)
Mondialisation.ca, 09 juillet 2015



مسئله واشنگتن با ایران هرگز و هیچگاه برنامه انرژی هسته ای ایران نبوده است. این موضوع را محافظه کاران روی پشت بام ها جار زدند که برنامه انرژی هسته ای ایران با 5% اورانیوم غنی شده پوششی بوده برای غنی سازی اورانیوم 95% تا برنامه هسته ای نظامی اش را استتار کند، این تبلیغات در واقع پوششی بود برای استتار برنامه اصلی واشنگتن و مخالفتش علیه ایران.

از دیدگاه دکترین تسلط جویانه آمریکا، مسئله ایران در واقع استقلال ایران است. ایران همانند عراق، سوریه، لیبی، ونزوئلا، اکوادور، بولیوی، برزیل، آرژانتین، کوبا، کره شمالی؛

روسیه و چین خدمتکار واشنگتن نیست.

واشنگتن تنها به سادگی قادر نیست حقیقت را اعتراف کند و بگوید که ایران در فهرست کشورهای هدف گرفته شده او می باشد زیرا این کشور از خواست آمریکا پی روی نکرده است. بر این اساس، واشنگتن بر آن شد تا تصویری شیطانی از ایران در اذهان مردم آمریکا و اروپا منعکس سازد. در راستای اجرای چنین طرحی، ایران به گسترش سلاح هسته ای متهم شد و علاوه بر این ادعا کردند که ایران می خواهد به تروریست ها سلاح اتمی بدهد تا علیه اسرائیل، اروپا و ایالات متحده به کار برده شود.

وقتی واشنگتن موشک های ضد موشکی اش را در مجاورت مرز روسیه مستقر کرد، به مسکو دروغ گفت و ادعا کرد که این موشک های رهگیر برای مقابله با موشک های قاره پیمای هسته ای ایران مستقر شده است (که در واقع وجود خارجی نداشت).

تبلیغات واشنگتن در مورد تهدید سلاح های هسته ای ایران در حال حاضر به قدمت چندین سال است و با وجود این که اطلاعات ملی در پیوند با 16 آژانس اطلاعاتی ایالات متحده گزارشاتی منتشر کرده و نوشته اند که ایران ده سال پیش از تولید سلاح هسته ای قطع نظر کرده است. تبلیغات واشنگتنی در عین حال از پشتیبانی های رسانه های غربی برخوردار بوده و با وجود این که بازرسان آژانس بین المللی انرژی هسته ای گزارش کرده بودند که هیچ انحرافی در برنامه هسته ای ایران در راستای سلاح هسته ای نیافته اند. به عبارت دیگر بازرسان آژانس بین المللی هسته ای می توانند

بدانند و اورانیوم غنی شده در برنامه هسته ای ایران را محاسبه کنند و نتیجه گرفته اند که کاملاً منطبق بر قانون منع گسترش سلاح های هسته ای بوده است.

ولی با وجود تمام این داده های اطلاعاتی از وضعیت برنامه هسته ای ایران، واشنگتن همچنان ایران را به گسترش سلاح هسته ای متهم می داند.

ساخت سلاح هسته ای همیشه برای واشنگتن بهانه ای بوده تا نیت واقعی خود را پوشش دهد، که در واقع چیزی نیست بجز تغییر رژیم در تهران، چه از داخل و چه از خارج تا ایران را مثل گذشته به جایگاه خدمتگذار ملت های غربی بازگرداند. امپریالیست های غربی هرگز آنهایی را که از نظام آنها می گریزند و یا عصای قیومیت آنها را نمی پذیرند فراموش نمی کند.

واشنگتن «تهدید اتمی» ایران را تبلیغ و سازماندهی کرده تا افکار عمومی آمریکا و اروپا را برای حمله نظامی به ایران آماده سازد.

با نقاب زدن به نیت های اصلی در ساخت و پرداخت تمام عیار مشکلات، واشنگتن برای حل بحران از راه دیپلماتیک دروازه روسیه باز کرد. درگیر با مشکلاتی ساختگی خودش، واشنگتن با روسیه روبرو شد که مشکل را با توافقی حل کرد که می تواند به کار بسته شود و تضمین می کند که هیچ غنی سازی اورانیوم در وادی سلاح هسته ای صورت نخواهد گرفت.

نئو محافظه کارانی که از این موضوع عصبانی شده بودند تلاش کردند که توافقات را تخریب و یا متوقف سازند. حزب جمهوری خواه در حال حاضر کاملاً به فرمان اسرائیل درآمده و حتی از رئیس دیوانه اسرائیل

خواستند که از کنگره ایالات متحده بخواهد تا توافقات هسته ای اواما در مورد مسئله هسته ای ایران را متوقف کند.

انحلال توافقات در این مرحله در عین حال اعتراف آشکار به امر است که افسانه هسته ای ایران چیزی نبوده بجز پوششی برای مخالفت واشنگتن با استقلال ایران.

که اواما صادق باشد، درگیر با دیپلماسی روسیه، یا با تکی هبه سوء قصد تقلبی زیر پرچم دروغین در پی بی اعتبار سازی ایران باشد و به این شکل توافقات را متوقف سازد، نمی دانم. اسرائیل البته می خواهد که واشنگتن تمام موانع را برای گسترش امپریالیستی اش در خاورمیانه از سر راه بردارد. پس از دزدین فلسطین، اسرائیل می خواهد به عنوان هدف آینده اش جنوب لبنان را ضمیمه کند.

تا جائی که من می دانم توافقات هسته ای ایران به هیچ عنوان عمق ماجرا نیست، که این توافقات با موفقیت انجام بگیرد و یا به شکست کشیده شود هیچ تأثیری روی مخالفت واشنگتن علیه ایران نخواهد داشت. و همانطور که در بالا گفتیم انگیزه مخالفت واشنگتن با ایران استقلال او از امپراتوری می باشد. ایران برای واشنگتن یک مانع به حساب می آید. اختراع تقلبی تهدید اتمی ایران، برای واشنگتن تبلیغات پوشالی به هدف آماده سازی اذهان عمومی آمریکا و اروپا برای پذیرش حمله به ایران بود.

توافقات به هر نتیجه ای برسد، موفق یا ناموفق در این طرح آمریکا تغییری ایجاد نمی کند و ایران مقام خود را به عنوان خطر بزرگ برای جهان حفظ خواهد کرد.

من همیشه شگفت زده شده ام که دولت هائی که مستقیماً در تهدید واشنگتن به سر می برند همیشه از دیدن ماجرای اصلی که در پشت پرده تحول می یابد عاجز هستند و همیشه تعریفی را که واشنگتن مطرح کرده به عنوان واقعیت می پذیرند. ماجرای ساختگی هسته ای ایران تنها پوششی است برای طرح براندازی استقلال ایران، ولی با این وجود ایران و رسانه هائی که واشنگتن و تبلیغاتش را منعکس می کنند همین تعاریف و تبلیغات پوشالی را به عنوان واقعیت مطرح می کنند.

اگر ایران جان سالم به در برد، یک معجزه واقعی خواهد بود.

[Paul Craig Roberts](#)

7 Juillet 2015

Article original:



[The Nuclear Agreement With Iran](#)

لینک متن مبدأ به زبان فرانسه :

<http://www.mondialisati.on.ca/laccord-nucleaire-avec-iran/5461618>

ترجمه توسط حمید محوی

نتانياهو رهبر اسرائيل منتشر کرد، و فرازهای آن به روشنی نشان می دهد که گفت و گوی های هسته ای ایران به یک دلیل دیگر و این بار به دلیل بسیار پر اهمیت تری به توافق نخواهد رسید : زیرا نتانياهو رهبر اسرائيل چنین توافقی را تهدیدی برای اسرائيل می داند. فکر می کنم که همین یک مورد کافی باشد.



هر چند که اوباما برای تضمین امنیت ملی اسرائيل در پی تقویت مناسبات ایالات متحده و اسرائيل برآمده باشد. در هر صورت توافقات کشورهای 6 با ایران هر چه باشد، تحت تأثیر بالا و پائین شدن درجه امنیت اسرائيل دائماً زیر علامت سؤال خواهد رفت، و 19000 به 6000، و از 6000 تا 2000 و سپس تا 1200 سانتریفوژ و سپس تا صفر سانتریفوژ... و تا محدود ساختن حجم ذخیره فشنگ تفنگ های ارتش ایران ادامه خواهد یافت. دولت ایران می بایستی با شهادت جنگ را می پذیرفت، یعنی همان موضعی که ولادیمیر پوتین بر اساس استراتژی نوین روسیه اتخاذ کرد. ولی بجای چنین موضعی که نه خواست آن را دارد و نه توان آن را، از این پس باید به سری جنگ های خزانده و فرسایشی تن در دهد. تا روزی که بمباران ها آغاز شود. مطمئناً دستگاه دین اسلام که از هم اکنون بسیاری از اهالی اهل بیت رهبریت آن با میلیون ها دلارشان در خارج ساکن شده اند، در چنین چشم اندازی فعالیت نمی کند... و تنها برای ملت ایران که از این پس آنها را به اختیار »

تنها نکته مهمی که در اینجا می خواهم به آن اشاره کنم، این است که از دیدگاه من، به این شکلی که درباره کنترل فعالیت های هسته ای ایران نوشته اند، حداقل نتیجه ای که می توانیم از آن بگیریم این است که در آینده باید منتظر درو کردن متخصصان علمی ایران در زمینه هسته ای باشیم. چنان که در گذشته نیز تعدادی از دانشمندان هسته ای ایران را ترور کردند.

بی گمان هیچ محدودیتی در وضعیت ایستا و منزوی باقی نمی ماند و گسترش یابنده است، و چنان که پیش از این نیز در تحلیل هایم نوشته ام، هیچ مفهومی بجز منع رشد نیروی های مولد ایران، و سپس نفی استقلال ایران ندارد.

پیشبینی من تا 30 ژوئن و حتی بعد از آن این است که گفتگوها به نتیجه نخواهد رسید. زیرا امپریالیست ها تخریب ایران را هدف گرفته اند. نتایج گفتگوها نیز از هم اکنون همین واقعیت را نشان می دهد. تمام این داستان نیز چیزی نیست بجز اعلام جنگ روانی به ایرانیان. تحقیر ایرانیان.

برخی از دوستان به قدرت نظامی ایران اشاره کرده بودند، البته من نیز با آنها موافق هستم که اگر قدرت نظامی خسارت بار برای چنین دشمنانی در کار نمی بود، تا کنون به ایران حمله کرده بودند، ولی من از این پس بر این باور هستم که دستگاه دین اسلام در ایران و بورژوازی کمپرادور به این نیروها خیانت خواهد کرد و اجازه نخواهد داد که ایرانیان از کشورشان دفاع کنند.

در ساعت 13 و 21 دقیقه اسپوتنیک مقاله ای تحت عنوان « توافق با ایران، اسرائيل را تهدید می کند» (1) به نقل از

گاهنامه هنر و مبارزه

3 آوریل 2015

جمعه 14 فروردین 1394

درباره مذاکرات هسته ای ایران

و احتمال خطر ترور متخصصان هسته ای ایران

نوشته حمید محوی



از دیروز مقالات متعددی پیرامون گفت و گوی های هسته ای ایران در لوزان منتشر شده است، و به دلیل نبود اعتماد به رسانه های ایرانی من اخبار را از طریق اسپوتنیک دنبال کردم. آخرین مقاله به تاریخ 3 آوریل 2015 در 8 و 40 دقیقه صبح منتشر شد و حاکی از تصمیم بی سابقه اوباما برای کنترل فعالیت های هسته ای در ایران بود که باید با ظرفیت 6000 سانتریفوژ به جای 19000 سانتریفوژ ادامه یابد.

امت اسلام» می نامد می تواند شاخ و شانه بکشند.

(رئیس جمهور فدراسیون روسیه)، 29 ژوئن 2015.

رأس آنها بودند که این طرح را تخریب کردند.

(1)

<http://fr.sputniknews.com/international/20150403/1015478779.html>

در حاشیه گفتگوهای 5+1 روسیه از آب گل آلود ماهی گرفت

تی یری میسان

En marge des négociations 5+1
La Russie tire ses marrons du feu
par Thierry Meyssan

گفتگوهای 5+1 درجا می زند، نه به دلیل واشنگتن و تهران، بلکه به این علت که مسکو نظم نوین خاورمیانه بزرگ را نافی منافع خودش نمی داند. در اینجا تی یری میسان گوشه پرده نداوم گفتگوهای لوزان را کنار می زند.

شبکه ولتر | دمشق (سوریه) | 13 ژوئیه 2015



از چپ به راست : ریاض حداد (سفیر سوریه در مسکو)، ولید معلم (وزیر امور خارجه سوریه)، بتینه شعبان (مشاور ویژه رئیس جمهور بشار اسد)، سرگنی لاوروف (وزیر امور خارجه روسیه)، ولادیمیر پوتین

گفتگوهای 5+1 به درازا کشید. پس از مشکل سلامتی آقایان کری و ظریف، تا می توانستند انواع و اقسام بهانه های دیگری را نیز مطرح کردند تا به تعویق انداختن امضای توافقات توجیه پذیر گردد. با این وجود، نه واشنگتن و نه تهران دستپاچه بنظر نمی رسند. بر عکس، همه چیز بخوبی پیش می رود و گوئی نه بین ایالات متحده و ایران بلکه بین این دو کشور و شورای امنیت مشکلاتی وجود دارد.

من پیش از این درباره گفتگوهای مخفی بین اسرائیل و عربستان سعودی در رابطه با نتایج توافقات مطالبی نوشته بودم (1). در مورد اقدامات روسیه اطلاعات مشخصی در اختیار ندارم ولی می توانیم گمانه زنی کنیم و خطوط برجسته ای را تشخیص داده و نتیجه گیری کنیم.

توافقات ایالات متحده و ایران (2) در واقع انتخاب دوم در استراتژی رئیس جمهور آمریکا اوباما بود زیرا طرح او در مورد تقسیم «خاورمیانه بزرگ» با روسیه در سال 2013 با شکست مواجه شد (3). در نخستین گردهمایی ژنو برای صلح در سوریه (ولی بدون حضور سوریه)، واشنگتن در نظر داشت کنترل کشورهای عربی و تأمین امنیت اسرائیل یعنی کشوری که بیش از یک میلیون از اهالی شوروی سابق در آن به سر می برند را به مسکو واگذار کند. با این وجود این طرح با شکست مواجه شد، البته اشکال کار از سوی روسیه نبود بلکه به دلیل بروز دو دستگی در درون خود دولت اوباما منتفی شد. طرفداران پر شور جنگ سرد، هیلاری کلینتون و ژنرال پترائوس در

در نتیجه امروز کاملاً منطقی بنظر می رسد که مسکو از روی نگرانی بخاطر بخطر افتادن منافعش بخواهد در مورد اصالت گفتگوهای ایالات متحده و ایران اطمینان حاصل کند. ولی جای آن را دارد که بپرسیم اهداف استراتژیک روسیه کدام است؟

در سطح کلی، روسیه و چین طرح خودشان را برای ساخت و ساز راه های قاره ای که اقتصاد آزاد را برای آنها تضمین کند ادامه می دهند. ولی از سوی دیگر، ایالات متحده دست به هر کاری می زند تا از اجرای چنین طرحی جلوگیری کند و تسلط بر جهان را از طریق کنترل راه های دریایی برای خود حفظ نماید (نظریه «کنترل فضاهای مشترک») (4).

گاز به ازای جنگ افزار

در مورد «خاورمیانه بزرگ» (5)، روسیه فکر می کند وجود کشوری نیرومند مانند ایران در مرز جنوبی کشورش برای جلوگیری از تهاجم طرفداران غرب، برای امنیت منافع روسیه مفید است، ولی نه تا آن اندازه قوی که بخواهد رؤیای باززائی امپراتوری پارس را در سر بپروراند. امروز ولادیمیر پوتین مناسبات بسیار عالی با رهبر انقلاب آیت الله خامنه ای و به همین گونه با رئیس جمهور شیخ حسن روحانی برقرار کرده است. ولادیمیر پوتین موفقیت های نظامی پاسداران انقلاب را در فلسطین، لبنان، سوریه و بحرین را مشاهده کرده و در عین حال از گسترش فوق العاده صنایع نظامی ایران نیز آگاه است. چندین بار در هفته فرستاده های روسی به شکل رسمی و غیر رسمی برای مبادلات اطلاعاتی

سیاسی و به همچنین نظامی و اقتصادی به تهران می آیند.

تروریسم

پوتین هرگز فرصت پاسخ گوئی به او را نیافت.

روشن است که روسیه پیش از این به شکل مخفیانه درباره این طرح نه تنها با عربستان سعودی (7)، اردن و ترکیه (8) بلکه با ایران نیز گفتگو کرده بوده، و می خواست به تمام جهان نشان دهد که در وضعیتی قرار دارد که می تواند سیاست خود را به سوریه تحمیل کند. سوریه گرچه در مقابل طرح روسیه غافلگیر شد، ولی از این فرصت می تواند استفاده کند زیرا پایان جنگ را برای این کشور رقم خواهد زد.

از سوی دیگر، طرح روسیه مرتبط است به موضع گیری سوریه که از ژانویه 2014 و دومین گردهمایی ژنو (که خلاف گردهمایی اول سوریه نیز دعوت شده بود) اتحاد بین المللی را برای مبارزه علیه تروریسم فراخواند. این موضع گیری دائماً موجب تمسخر جهاد طلبانی شد که به عنوان «مخالفان میانه رو» بازشناسی شده اند و از سوی عربستان سعودی، اردن و ترکیه و به طور کلی و عمومی از سوی ناتو پشتیبانی می شوند.

آیا طرح روسیه قابل اجرا خواهد بود؟

طرح روسیه گرچه به نفع تمام دولت های «خاورمیانه بزرگ» است ولی با این وجود در تضاد با توافقات بین سعودی ها و اسرائیلی ها بنظر می رسد. علاوه بر این، ترکیه و در نتیجه ناتو را از کارت اصلی شان محروم می سازد، یعنی کنترل جهاد طلبان در سطح بین المللی. به اجرا گذاشتن چنین طرحی به تعادل درونی تمام دولت های مربوطه بستگی دارد، موضوعی

موضوع مهم دیگر در رابطه با استراتژی روسیه در این پرونده، آینده داعش است. هیچ جای تردیدی وجود ندارد که سازمان تروریستی که امروز تحت فرماندهی ترکیه قرار دارد و از سوی بخشی از خاندان سلطنتی سعودی تأمین مالی می شود، آماده است تا عراق و سوریه را ترک کند و در قفقاز روسیه مستقر شود. از سپتامبر 2014 مدیریت امارات اسلامی (داعش) از افسران مغربی تصفیه شد و بجای آنها گرجستانی ها و ازبک ها اداره امور را به دست گرفته اند. در حال حاضر، ارتباطات داخلی افسران داعشی، با تالکی والکی به زبان عربی نیست بلکه همه به زبان روسی حرف می زنند، جهاد طلبان عرب غالباً به عنوان گوشت دم توپ به کار برده می شوند. برای مسکو ضروری است تا همین امروز داعش را در «خاور میانه» از بین ببرد، در غیر این صورت فردا مجبور خواهد شد با آنها در خاک خودش در قفقاز مقابله کند.

به همین علت، روسیه یک هیئت سوری را به مسکو فراخوانده است. با شگفتی تمام وزیر امور خارجه سوریه ولید معلم، هیئت نمایندگی با هم قطار خود سرگئی لاوروف گفتگوئی نداشت ولی از سوی رئیس جمهور پوتین روز 29 ژوئن مورد استقبال قرار گرفت. رئیس جمهور روسیه آقای پوتین در حضور روزنامه نگاران به گرمی از او استقبال به عمل آورد و طی سخنرانی طولانی طرح روسیه را به اطلاع او و رسانه ها رساند: سوریه باید برای حذف داعش به عربستان سعودی، اردن و ترکیه نزدیک شود. سپس، ولید معلم برای سخنرانی دعوت شد ولی در حضور رسانه ها و در کنار

روسیه در مورد نتایج فروش آتی گاز ایران به اتحادیه اروپا نگران است. یعنی طرحی که در آغاز توسط ایالات متحده ترسیم شده بود تا بروکسل بتواند از گاز روسیه صرف نظر کند. ولی روسیه این موضوع را در کوتاه مدت به عنوان خطر تخمین می زند زیرا روسیه به تدریج از اروپا فاصله گرفته و ذخیره گازش را به چین خواهد فروخت. در نتیجه برای روسیه خطر در زمینه امور مالی تنها به یک دوره پنج ساله و حتی کمتر خلاصه می شود. یعنی تنها طی مدتی که برای ساخت لوله های انتقال گاز از طریق سیبری نیاز خواهد داشت. برای جبران خسارت فروش گاز ایران بجای گاز روسیه به اروپای غربی، تهران مبالغ نجومی برای خرید جنگ افزار روسی پیشنهاد کرده است، یعنی بطور مشخص برای خرید موشک های ضد هوایی اس 400 که قادر است هر هدفی را در آسمان مورد اصابت قرار دهد.

با این وجود، این توافق به دلیل قطعنامه 1929 شورای امنیت که صدور سلاح به مقصد ایران را ممنوع دانسته به مشکل برخورد کرده است (6). قطعنامه ای که رئیس جمهور وقت مدودف تصمیم گرفت از آن پشتیبانی کند، یعنی جریانی که موجب بحران با ولادیمیر پوتین شد که در آن دوره نخست وزیر او بود. به همین علت امروز ولادیمیر پوتین درخواست کرده تا این قطعنامه حتی پیش از امضای قرارداد 5+1 برچیده شود. این موضوع برای واشنگتن مشکلی ایجاد نمی کند، ولی روند تقسیم جهان به دو جبهه را بیش از پیش برجسته می سازد.

[4] [“The Geopolitics of American Global Decline”](#), by Alfred McCoy, *Tom Dispatch* (USA), *Voltaire Network*, 22 June 2015.

[5] « [Quelle place pour la Russie au Proche-Orient ?](#) », par Thierry Meyssan, *Odnako* (Russie), *Réseau Voltaire*, 28 juillet 2010.

[6] « [Résolution 1929 du Conseil de sécurité](#) », *Réseau Voltaire*, 9 juin 2010.

[7] « [Arabie saoudite et Russie : nouvelle prise de contact](#) », par Boris Dolgov, Traduction Julia, *Strategic Culture Foundation* (Russie), *Réseau Voltaire*, 9 juillet 2015.

[8] « [Comment Vladimir Poutine a renversé la stratégie de l'Otan](#) », par Thierry Meyssan, *Odnako* (Russie), *Réseau Voltaire*, 8 décembre 2014.

ترجمه توسط حمید محوی

که تردیدهای متعددی را برمی انگیزد، ولی سرویس های روسی باید به خوبی درباره آن کسب اطلاع کنند.

در واقع، طرح روسیه موضوع راستی و درستی ایالات متحده را مطرح می سازد که آیا واقعاً خواهان صلح در «خاورمیانه بزرگ» هست یا نیست (برای انتقال نیروهایش به خاور دور) و آیا حاضر است از داعش به عنوان جنگ افزار علیه روسیه صرف نظر کند؟

به همین علت ملاقات ها ادامه دارد. رئیس جمهور روحانی به مناسبت گردهمایی بریکس و سازمان همکاری شانگهای در اوفافا به روسیه رفته است، رئیس جمهور پوتین پیش از تشکیل دولت جدید یا انتخابات قانونگذاری آینده به ترکیه خواهد رفت، در حالی که مسکو در انتظار شاه سلمان عربستان سعودی به سر می برد.

[1] « [Exclusif : Les projets secrets d'Israël et de l'Arabie saoudite](#) », par Thierry Meyssan, *Réseau Voltaire*, 22 juin 2015.

[2] « [Que deviendra le Proche-Orient après l'accord entre Washington et Téhéran ?](#) », par Thierry Meyssan, *Réseau Voltaire*, 18 mai 2015.

[3] « [Obama et Poutine vont-ils se partager le Proche-Orient ?](#) », par Thierry Meyssan, *Odnako* (Russie), *Réseau Voltaire*, 22 février 2013.